

شرق

روزنامه

آغاز فعالیت سینماهای پایتخت با رعایت فاصلهگذاری اجتماعی، عکس: عمید فراخی، آنا



نور نوشت

www.sharghdaily.ir

شنبه ۷ تیر ۱۳۹۹ • ۵ دی‌القعده ۱۴۴۱ • ۲۷ ژوئن ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۲۷۵۱ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵

اذان صبح فردا ۴:۰۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

اتفاق

۱۲۰ مجموعه شعر در جایزه شاملو

بیش از ۱۲۰ عنوان مجموعه شعر برای دبیرخانه ششمین دوره جایزه شعر شاملو ارسال شده و به زودی معرفی اسامی و مشخصات آثار رسیده در سایت رسمی جایزه شعر شاملو و نیز در صفحه رسمی اینستاکرام این جایزه به آدرس @ahmad_shamlou_poetry_award آغاز خواهد شد. با استقبال علاقه‌مندان، مهلت ارسال کتاب برای این جایزه تا آخر تیر ماه سال جاری تمدید شده است. دبیرخانه این جایزه از شاعران و ناشران علاقه‌مند که در زمینه انتشار شعر نو فعالیت دارند، درخواست کرده تا «سه نسخه» از کتاب‌های چاپ اول شعر نو خود را که در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است، تا پایان تیر برای دبیرخانه ارسال کنند. به گفته دبیرخانه تنها کتاب‌های ارسال‌شده در این رقابت شرکت داده خواهند شد. در ضمن تاریخ مورد استناد، تاریخی است که در شناسنامه کتاب درج شده است. دبیرخانه ششمین دوره جایزه شعر احمد شاملو به آدرس تهران، خیابان هلال احمر، رسیده به میدان رازی، فروشگاه کتاب فرهنگان این کتاب‌ها را دریافت می‌کند.



روایت

بالاخره ماسک «آری» یا «نه»؟

از روزهای ابتدایی همه‌گیری کرونا تا همین امروز هنوز دستورالعمل مشخصی برای مقابله دقیق با این بیماری تدوین نشده است. عدم شناخت نسبت به این بیماری و رفتار آن موجب شده بود که مدام و هر روز شاهد تغییرات در استانداردهایی باشیم که در این زمینه وجود دارد. یکی از موضوعات محل مناقشه، زدن یا نزدن ماسک است. چیزی که امروزه به یکی از وسایلی مورد استفاده روزمره بشر تبدیل شده و بخشی از پوشش انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. اما درباره استفاده از ماسک استفاده از ماسک تاکنون چندین و چند دستورالعمل منتشر شده است. طبیعی است که هر چه از عمر زندگی ما با این بیماری می‌گذرد، اطلاعات دقیق و بهتری درباره رفتار آن و همچنین تأثیر رفتار ما در مهار آن از راه تحقیق و پژوهش محققان به دست می‌آید. از جمله اینکه به تازگی محققان ژاپنی به اطلاعات جدیدی درباره تأثیر استفاده از ماسک در مهار کرونا دست یافته‌اند. دانشمندان ژاپنی تحقیقاتی را بر اساس نمونه‌های رایانه‌ای انجام داده‌اند که ثابت می‌کند زدن ماسک می‌تواند به طور مؤثری زندگی فرد را در برابر ویروس کرونا نجات دهد. این تحقیقات که به‌تازگی منتشر شد، نشان می‌دهد که تلفات همه‌گیری کرونا در مناطقی که افراد از ماسک‌زدن پرهیز کرده یا کمتر از آن استفاده کرده‌اند، به‌مراتب بیشتر بوده است. تیم تحقیقاتی میازاوا‌ی ژاپن همچنین به این نتیجه رسیده است که افراد جاق تمایل کمتری به استفاده از ماسک دارند اما هر جایی افراد از ماسک استفاده کرده‌اند، خطر ابتلای آنها به کرونا کمتر شده است. در چین با وجود یک‌میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت از اولین روزهای شیوع ویروس کرونا، ماسک‌زدن اجباری شد و دولت و نهادهای پزشکی همواره از مردم می‌خواستند از ماسک استفاده کنند و چین توانسته است به همین طریق از شیوع گسترده ویروس جلوگیری کند. تارنامی مدریکس در گزارشی به نقل از تحقیقات پژوهشگران و پزشکان ژاپنی آورده است که ماسک‌زدن می‌تواند تا نزدیک به ۷۰ درصد در کاهش نرخ مرگ‌ومیر ناشی از کرونا مؤثر باشد. بر اساس این تحقیقات و نظرشنجی صورت‌گرفته در حدود ۲۰ کشور جهان، ۲۱ درصد از بریتانیایی‌ها ماسک استفاده می‌کنند اما این میزان در میان برخی از کشورهای آسیایی به ۹۰ درصد می‌رسد. بررسی ما ثابت می‌کند که ماسک‌زدن نقشی بسیار مؤثر در نجات جان انسان‌ها دارند. نزدیک به ۸۰ درصد از مرگ‌ومیرهای ثبت‌شده در ماه جاری میلادی بر اثر کرونا به بی‌تمایلی فرد به زدن ماسک مربوط بوده است. پژوهش‌های اولیه نیز نشان می‌داد که ویروس کرونا عمدتا از طریق آب دهان، عطسه و سرفه فرد به دیگران منتقل می‌شود و برای همین از روزهای نخست دانشمندان به‌خصوص در کشورهای آسیایی زدن ماسک تکلیف می‌کردند.

یادداشت

همراهی زنان، کلید ورود ورزش زورخانه‌ای به جهان



مینو بدیعی

شاید این روزها سخن‌گفتن از ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی بانوان و قدم‌گذاشتن آنان در گودهای زورخانه‌ای، صیغه مبالغه‌ای باشد که از نگاه عده‌ای از عقل سلیم به دور است؛ اما باید گفت با وجود فوران آسیب‌ها و کژی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی _ سیاسی، با وجود شیوع جهانی ویروس «کرونا» و با وقوع محاکمه‌های پرسروصدای متهمان به فساد در قوه قضائیه و خودکشی کارگران به دلیل نپرداختن دستمزد و حقوق، آتش گرفتن جنگل‌ها، بی‌کاری روزنامه‌نگاران و ده‌ها و شاید هم صدها مشکل اجتماعی و اقتصادی دیگر، سخن‌گفتن از ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی بانوان لایذ دل خجسته‌ای می‌خواهد که باید آن را قطعا داشت، زیرا سخن از خواست و اراده نیمی از جمعیت کشور است که دیگر نمی‌خواهند در حاشیه باشند ... در همان حال نباید فراموش کرد که خشونت‌ورزی علیه زنان و دختران این روزها ابعاد بسیار فاجعه‌باری پیدا کرده است. در این وانفسا ممکن است باز هم این پرسش مطرح شود که بحث ورزش «زورخانه‌ای زنان»، چندان نمی‌تواند به‌عنوان یک موضوع مهم مورد بحث و اظهارنظر قرار بگیرد. این در حالی است که ورزش زورخانه‌ای بانوان سال‌های طولانی است به‌وسیله بانوان پیشرو و علاقه‌مند دنبال می‌شود. آنان که به سلامت و تندرستی خود اهمیت می‌دهند و درعین حال می‌خواهند مثل ورزش‌های دیگر جایگاه لازم را در ورزشی که موردعلاقه‌شان است پیدا کنند؛ اما این یک پرسش اساسی است که آیا فرهنگ پهلوانی تنها مربوط به مردان است و ورزش زورخانه‌ای خاص مردانی با سینه‌های ستبر و سبیل‌های از بنا کوش دررفته و اداهای پهلوانی ازبازرفته‌ای که در روزگار کنونی بیشتر به لطیفه‌ها و حکایت‌های دور مردمان نسل‌های قدیم شباهت دارد.

در دورانی که زنان در تمامی رشته‌های ورزشی، قابلیت‌های خود را نشان داده‌اند و حتی در جامعه ما که محدودیت برای زنان بسیار زیاد است، در رشته‌های مثلا مردانه‌ای مانند فوتبال، از خود قابلیت‌های زیادی نشان داده‌اند، اینکه گروهی فروتن به دست بیاورند و به هر شکل زنانی را تحقیر و به آنها اهانت کنند، بسیار ناجوانمردانه است. زنانی که می‌خواهند آزمون سخت و دشوار ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی و باستانی ایران‌زمین را نیت سر بگذارند و ثابت کنند که زنان در همه‌جا استوار ایستاده‌اند.

آری همان «ناجوانمردی» که شیوه و سیاق

یادداشت

پهلوانان و دوستداران ورزش‌های باستانی و سنتی ایران‌زمین نیست اما زمانی مسئله تحقیر بانوانی که می‌خواهند در ورزش‌های زورخانه‌ای و پهلوانی کار کنند، شکل دیگری به خود می‌گیرد که بدانیم رشته ورزش‌های باستانی و زورخانه‌ای در المپیک زمانی پذیرفته می‌شود که زنان وارد این عرصه شوند. اما «ناجوانمردی» از آنجا آغاز شد که عده‌ای که خود را خیلی مرد می‌دانستند و احساس «پوربای» ولی بودن» آنان را دچار شور و شعف کرده بود، یک روز قبل از روز «فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای» به حضور زنان در ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی اعتراض کردند و آن را خلاف همه معیارهای عقلی، انسانی و شایستگی زنان دانستند. به عبارت دیگر آنان، زنان را موجودات ظریف و فرومایه‌ای خواندند که حضورشان در ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی، به ساحت مقدس! مردان لطمه وارد می‌کند.

چه سخن سخفی است که قبل از شروع هفته «فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای» گروهی که رسانه‌ها به‌اشتباه آنها را «پیش‌کسوتان» ورزش زورخانه‌ای عنوان کرده بودند، هرچه بدویراه بود نثار بانوانی کردند که در این راه پیش‌قدم هستند و حتی آنان با همه تلاش خود نته‌ها ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای را انجام می‌دهند بلکه توانستند از مراجع تقلید، اجازه و مجوز انجام این ورزش را بگیرند. بله عده‌ای هستند که از پاپ کاتولیک‌ترند و همواره کاسه داغ‌تر از آش ظاهر می‌شوند!

اگر نگاهی به تاریخچه ورزش پهلوانی، زورخانه‌ای و باستانی بینازیم، هیچ‌گاه این ورزش خاص مردان نبوده است. نظام پهلوانی، نظامی است که ریشه در تاریخ، فرهنگ و سنت‌های مردمی این مرزوبوم دارد. با نگاهی کوتاه به دلاوری‌ها و شجاعت‌های زنان چه در دوره باستان و چه بعد از اسلام، درمی‌یابیم نام‌های شایسته و زیادی از زنان وجود دارد که شان پهلوانی و قهرمانی را به جای آورده‌اند. در اسطوره‌ها و افسانه‌های شورانگیز باستانی، نام باتوان دلاوری مانند گردآفرید به چشم می‌خورد که همواره سهراب پسر رستم، بوده است.

در انقلاب مشروطه، زنان دلاوری بوده‌اند که با شایستگی و حفظ مقام زن، شجاعت‌هایی از نوع پهلوانان اسطوره‌ای از خود نشان داده‌اند. برای ذکر نام‌های طولانی این بانوان، اینجا، بسیار بسیار کوچک است اما همین را بگویم که دوستداران ورزش پهلوانی، زورخانه‌ای و باستانی در بین بانوان با همگی توان قدم به میدان گذاشته‌اند و شایسته است که به‌جای راندن آنان و توهین و تحقیرشان، شرایط را برایشان فراهم کنیم تا ورزش زورخانه‌ای و باستانی ایران‌زمین بتواند جایگاهی درخور در بازی‌های جهانی المپیک بیابد.

یادداشت-قسمت دوم

از بر که‌ای کوچک تا کرانه‌ای وسیع

شکوفه موسوی، روان‌پزشک کودک‌ونوجوان

ما چه تعداد افرادی می‌شناسیم که توانایی عبور از این مراحل را ندارند؟ و چرا؟
غریب‌خوبرو
جوان‌خوبرویی به نام نارسیسوس را از نگرستن به چهره خود منع کرده بودند اما یک روز او در آب زلالی به تصویر خود نگرست و دیگر سر بر نکرد و در خود غرق شد و از آنجا مفهوم نارسیسیمس یا خودشیفتگی بیان شد. خودشیفتگی یعنی خود را مرکز جهان دانستن، فقدان همدلی با دیگران، نپذیرفتن قوانین محتوم برای خود و به عبارتی خود را تافته‌ای همیشه جدابافته پنداشتن. چنین فردی تا وقتی خود مشکلی ندارد، هیچ غم دیگران را حس نمی‌کند و وقتی به مشکلی برمی‌خورد شکنده‌تر از آن است که بتوان تصور کرد. چرا؟ چون از سویی به همان اندازه که عادت داشته با دیگران بی‌انصافانه برخورد کند، توقع کمترین ناکامی و نامرادی را بر وجود ممتاز خود ندارد و از سوی دیگر آمادگی مواجهه با مشکلات را ندارد؛ چون هیچ‌وقت جز خود هیچ‌کس را ندیده و به هیچ مشکلی دقت نکرده و بنابراین هیچ‌گاه نیاموخته دیگران به وقت مشکل و ناکامی چه می‌کنند و چه می‌کنند.

آن‌برنده‌بال‌شکسته

پذیرش، مرحله‌ای منفعلانه از مشکلات نیست، تعهد عبور از مراحل سخت است که از خودشیفتگی آشنای خود دور شویم و دریابیم که همیشه نمی‌توان در برکه کوچک خود سر فرو برد و در اقیانوس حوادث و مشکلات، نمی‌توان از تلاطم امواج، همیشه برکنار بود. شاید مهم‌ترین درس کرونا این بود: همدلی با جهان، با همه ناتوانان، بی‌پناهان، چه انسان و چه بقیه موجودات، سرب‌راوردن از برکه فریبنده خود مرکزنداری، دیدن و پذیرش سهم دیگران در دنیای بزرگی که ما را در بر گرفته و از آنجاست که دیدگاه و رفتار ما به وقت عافیت منصفانه‌تر و همدلان‌تر می‌شود و به هنگام رنج، عاقلانه‌تر و با ظرفیت‌تر. اگر بهای آن بحران دستاورد عبور باشد، شاید خسران آن را بتوان تاب آورد.

رسانه

آقای رحمانیان! واقعا هیچ راهی جز تعدیل خبرنگاران نبود؟



پژمان موسوی

● تعدیل یا اخراج؟ اصلا مگر فرقی هم می‌کند نام قطع همکاری با تعدادی خبرنگار یا نیروهای بخش فنی چه باشد؟ مهم تحریریه‌ای است که چند جای خالی در آن، بدجور توی چشم می‌زند؛ آنهایی که تا هفته پیش هرکدام در گوشه‌ای از تحریریه به فعالیت حرفه‌ای خود مشغول بودند و حالا دیگر نیستند، رفته‌اند، کوچانده شده‌اند. این موضوع وقتی بیشتر توی چشم می‌آید که روزنامه مهمی چون «شرق» دست به این اقدام بزند؛ روزنامه‌ای که سرد و گرم و بالا و پایین زیاد دیده و انتظار می‌رود نوع برخوردش با «بحران»، متفاوت‌تر و پخته‌تر از رسانه‌های دیگر باشد. سخن من در این یادداشت با شخص مهدی رحمانیان است، مدیرمسئول روزنامه «شرق». آقای رحمانیان! واقعا هیچ راهی جز تعدیل این خبرنگاران نبود؟ آیا فکر نمی‌کنید راحت‌ترین راه را برای مقابله با بحران انتخاب کرده‌اید؟ آیا نمی‌دانید روزنامه‌نگاران ایران این روزها یکی از سخت‌ترین دوران‌های فعالیت حرفه‌ای را سپری می‌کنند؟ خودتان سال‌هاست مدیر رسانه در این کشور هستید، آیا نمی‌دانید خبرنگاران روزنامه‌نگاران این روزها با انواع فشارهای امنیتی دست به گریبان هستند و مجبورند با انواع سانسور و خودسانسوری خود را به مخاطبان عرضه کنند؟ آیا نمی‌دانید همین خبرنگاران در شهری که به ادعای مقامات مسئول، خط فقر آن چهارونیم میلیون تومان است، و می‌انگین دو تا سه میلیون تومان دارند کار می‌کنند؟ آیا جز عشق به حرفه و مردمی که مخاطبشان هستند و برای آنها می‌نویسند، عامل



دیگری برای فعالیت با این حجم بالای استرس و درآمد پایین وجود دارد؟ آنهایی که شرف حرفه را پاس نمی‌دارند به کنار، قاطبه خبرنگار/روزنامه‌نگاران ایران با شرافت کار می‌کنند و برای شغل‌شان حرمت قائل‌اند. آیا اینها را نمی‌دانید؟ آیا نمی‌دانید روزنامه روی شانه‌های تحریریه و نویسندگانش است که بالا می‌آید و نباید اولین گروهی که در سختی‌ها حذف می‌شوند، خبرنگاران/روزنامه‌نگاران باشند؟ من نمی‌گویم روزنامه «شرق» مشکل ندارد، اتفاقا می‌دانم که روزنامه‌داری در این مملکت چقدر سخت و طاقت‌فرساست اما می‌گویم مگر «شرق» روزهایی بهتر از این روزها نداشته است؟ در آن روزها آیا روزنامه برای تحریریه امتیاز بیشتری قائل بوده یا حقوق بیشتری می‌داده که اکنون در این روزهای سخت نخست آنها را قربانی می‌کند؟ من وضعیت کاغذ، لیتوگرافی، فیلم و زینک و انواع دیگر هزینه‌های این‌چنین را می‌دانم که چه افزایش سرسام‌آوری داشته، از وضعیت اسفبار مخاطب و فروش نیز اکاهم، اما با وجود تمامی چیزهایی که می‌دانم، منطق اخراج یا تعدیل چند نفر نیروی تحریریه را نمی‌فهمم، شما حتی می‌توانستید چهار صفحه را موقتا برای مقابله با بحران کم کنید اما کسی را تعدیل نکنید. «شرق» هنوز آن‌قدر اعتبار دارد که بتواند روزنامه‌های بهتر را به مخاطب برساند و در نتیجه وضعیت اقتصادی و درآمدی بهتری را تجربه کند، «شرق» هنوز آن‌قدر اعتبار دارد که بتواند فضاهای جدیدی را به کار ببازید تا بتواند با مخاطبان و در نتیجه فضاهای درآمدی بهتری که پیدا می‌کند، بر بحران‌های واقعا موجود غلبه کند. «شرق» هنوز کلی راه نرفته دارد و برای رسانه‌ای چون «شرق» خیلی آفت دارد که نه تنها به این فضاها ورود جدی نمی‌کند که نیروهایش را هم تعدیل می‌کند.

شما و تیمتان باید بتوانید بر بحران‌ها به نحوی فائق بیایید که بحران جدیدی خلق نکنید، این روزها آنچه می‌بینم، بحرانی فراتر از بحران لزوما اقتصادی است. شما نه تنها نتوانستید بر بحران فائق بیایید که بسیاری از بچه‌ها و نیروهای حرفه‌ای مطبوعات را هم از خودتان رنجانید. چشم‌گویم دلتان می‌خواست این کار را بکنید یا به علاقه این کار را کردید، می‌دانم که شما هم در دلتان از این موضوع خشنود نیستید و تمام تلاشتان را برای جلوگیری از این اقدام کرده‌اید اما به‌رحال خروجی اقدام شما، نته‌ها کمکی به برند «شرق» نکرد که تعدادی را هم بی‌کار کرد و سپهر رسانه‌ای ایران را متزلزل‌تر از همیشه پیش بازگردد، هم نزد مخاطبان، هم نزد مردم.

